

# بررسی حروف اضافه قیدی در زبان فارسی براساس رویکرد شناختی

سیده گل نازمیرفطروس\*، 69، 78،

1394-11-26

در زبان فارسی حروف اضافه به دو دسته تقسیم می شوند: حروف اضافه ساده، حروف اضافه مرکب (صادقی، 1359)، (انوری و گیوی، 1385)، (غلامعلی زاده، 1384)، (لازارد، 1957). بسیاری از محققان با تقسیم بندی دسته اول (از، به، تا، در، بر، سر و...) موافق هستند. اما در مورد حروف اضافه مرکب مانند (بالای، پایین، پشت، زیر، روی و...)، مقوله دستوری مشخصی معین نکرده اند و به نوعی این واژه ها را چالش برانگیز می دانند. بامشادی (1393) معتقد است این واژه ها بیشتر خصوصیات اسم را در خود دارند. بنابراین آنها را «اسم جایگاه نما» نامیده است. از طرف دیگر مشکوه الدینی (1390) آنها را حروف اضافه مشترک می نامند و معتقد است که این واژه ها در حال گذار از مقوله اسم به حرف اضافه هستند. در این تحقیق نگارنده براساس تحلیل و آزمونهایی که ارائه می دهد، حروف اضافه در زبان فارسی را به دو دسته تقسیم می نماید. حروف اضافه دستوری و حروف اضافه قیدی. اعتقاد نگارنده بر این است که حروف اضافه قیدی زمانیکه با حروف اضافه دستوری در جمله می آیند به فضای معنایی کوچکتر و محدودتر اشاره دارد، نسبت به زمانیکه حروف اضافه قیدی به تنهایی در جمله می آیند. هدف از انجام این تحقیق این است که حروف اضافه در زبان فارسی براساس رویکرد شناختی کرافت و کروزر (2004) و با الهام از الگوی ریتزی (1988) بررسی و معرفی شوند. همچنین تأثیری که حضور و یا عدم حضور حروف اضافه دستوری در کنار حروف اضافه قیدی بر محتوا و معنای مفهومی جمله می گذارد و دلیل علمی که حروف اضافه دستوری به صورت اختیاری در جمله قرار می گیرند، مورد بررسی قرار می گیرد. عوامل دیگری مانند نوع فعل نیز در محدود یا نامحدود کردن محتوای جمله بی تأثیر نیست. در تحقیق حاضر سعی شده است که با طرحواره تصویری و آزمون (for/in) این ادعا اثبات شود.

کلمات کلیدی : حروف اضافه قیدی، زبان فارسی، رویکرد شناختی

[Islamic Azad University, Rasht Branch - Thesis Database](#)

[دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت - سامانه بانک اطلاعات پایان نامه ها](#)